

ندای اصفهان

درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی: مسئله 43 و 44 شرط ششم و هفتم وجوب قصر نماز

کدخبر: 133688

3 فروردین 1400 در ساعت 12:53 ب.ظ

ندای اصفهان- حجت الاسلام جواد جلوانی

(مدرسه علمیه صدر بازار اصفهان)

در ادامه تقریر درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی (امام جمعه موقت اصفهان) و حواشی بر کتاب عروه الوثقی مورخ شنبه ۲/۱۲/۹۹ که در ایام کرونا به صورت مجازی برگزار شده است، به نظر طلاب و اساتید می رسد.

جهت دریافت دروس قبلی اینجا را کلیک کنید.

کتاب الصلاة- فصل فی الصلاة المسافر- احکام نماز مسافر- شرط پنجم قصر نماز- مسئله ۴۳ و ۴۴ شرط ششم و هفتم وجوب قصر نماز

مسئله ۴۳: می فرمایند اگر در سفری در ابتدا قصدش معصیت بود و به خاطر همین قصد روزه گرفت سپس در اثناء سفر عدول به طاعت کرد و از معصیت صرف نظر کرد، آیا باید افطار بکند چون در حال مسافرت است یا نه؟ می فرمایند اگر نیت عدول قبل از ظهر باشد قطعاً واجب است که افطار بکند و اگر تا اذان ظهر نیت معصیت داشت و روزه دار بود و بعد از ظهر نیت طاعت کرد حالا روزه را مثلاً اگر در ماه رمضان است چه کند؟ دو وجه این جا هست، احوط می فرمایند روزه را تمام بکند و قضای این روز را بگیرد.

در ادامه اگر همین مسئله به عکس باشد، یعنی اول سفر در طاعت نیت کرد و بعد عدول به معصیت در اثنا کرد، اگر در زمانی که نیت طاعت داشت مفطری انجام نداده بود (حق داشت چیز بخورد چون در حال اطاعت بود، اما اتفاقاً چیزی هم نخورده بود) و قبل از زوال یک مرتبه عدول به معصیت بدهد، در این صورت باید روزه بگیرد و احتیاط مستحب این است که باید قضایش را هم بگیرد.

اما اگر عدول به معصیت بعد از این باشد که افطار کرده است و اول افطار کرده بعد عدول به معصیت می دهد، یا اگر افطار هم نکرده، ظهر رد شد تا قبل از ظهر برای اطاعت بود اما چیزی نخورده بود (مثلاً خواب بوده) بعد از ظهر عدول به معصیت داد، می گویند این فایده ندارد و باطل است و حالا که باطل است آیا روزه اش را بخورد یا نه؟ یک احتیاط مستحبی است که تأدباً بقیه روز را اگر از ماه مبارک رمضان هست، امساک بکند.

مسائل متعددی در این مسئله ۴۳ وجود دارد ما چهار نکته عرض می کنیم.

نکته اول: اگر عدول به طاعت قبل از زوال داد این داخل تحت همان قانونی می‌شود که می‌گوید کسی که قبل از ظهر مسافرت می‌کند واجب است افطار بکند. البته این‌جا یک تفاوتی با آن‌جا دارد و این‌که او الان در سفر است منتها پنجاه کیلومتر به قصد معصیت رفته و حالا یک مرتبه عدول به طاعت می‌دهد، این‌جا ما یک قید اضافه می‌کنیم می‌گوییم حالا که عدول داد به دو شرط؛ یکی این‌که مابقی بعد از این‌که عدول داده به اندازه مسافت برود ولو ملقفاً و دوم این‌که به مجرد عدول نمی‌تواند افطار بکند بلکه باید یک مقدار به اندازه قلیلی مسافرت بکند تا صدق سفر بکند، نه این‌که به مجرد عدول همان‌جا که ایستاده بگوید تا الان من نیت معصیت داشتم نمی‌توانستم بخورم به محض آنکه نیت طاعت کرد بردارد همان‌جا آب را بخورد. این عرفاً صدق نمی‌کند که مسافر است و باید یک مقدار حرکت بکند.

نکته دوم: اگر عدول به طاعت بعد از زوال باشد این‌جا یک اختلافی هست که حالا که ظهر گذشته آیا ملاک همان ظهر در صحت صوم روزه و عدم روزه است؟ که در این صورت بگوییم حالا که از ظهر گذشته و قبل از عدول نیت معصیت داشت پس روزه‌اش صحیح بود حالا که از ظهر گذشته دیگر واجب نیست که افطار بکند بلکه تا اذان مغرب ادامه می‌دهد مثل کسی که بعد از ظهر مسافرت می‌کند، این یک احتمال است.

احتمال دیگر این است که بگوییم ملاک در صحت روزه زوال ظهر نیست بلکه بقاء نیت معصیت تا مغرب است؛ آن نیت معصیت را باید تا مغرب ادامه بدهد تا روزه آن روز صحیح باشد و این آقا چون بعد از ظهر عدول داده صحت روزه‌اش مشکل می‌شود. به خصوص نکته‌ای را سید یزدی داشتند که می‌گفتند ملاک حالت فعلی مکلف است. حالت فعلی را باید ببینیم که قصد اباحه یا قصد عصیان دارد، اگر قصد عصیان است باید روزه بگیرد.

لذا در این‌جا می‌گوییم ظاهر آن است که روزه او صحیح است و حالا که بعد از ظهر است باید روزه را اتمام بکند، البته یک احتیاط مستحبی بر اعاده هست.

نکته سوم: و اما عکس حالت قبل، اگر عدول به معصیت داد و قبل از عدول با اینکه می‌توانست آب بخورد افطار نکرده بود، در مسافرت بود و هیچ چیزی نخورده بود یک مرتبه نیتش را عدول به معصیت داد، اگر قبل از زوال است مثلاً ساعت ده صبح است لازم است که اتمام روزه بکند نظیر کسی که مسافرت بوده اما چیزی نخورده و وارد در وطن خودش قبل از زوال می‌شود، در این صورت واجب است که نیت روزه بکند البته نه وقتی که در سفر است بلکه نیت روزه را وقتی که وارد وطن شد باید بکند.

نکته چهارم: اگر آن وقتی که سفرش حلال بود افطار کرده بود و بعد نیت به معصیت داد دیگر روزه او باطل است و همچنین اگر بعد از زوال افطار نکرده بود اما ۲-۳ بعد از ظهر یک مرتبه عدول به معصیت داد باز روزه او باطل است. نظیر کسی که بعد از زوال وارد وطنش می‌شود و دیگر آن روز فایده ندارد و قبل از ظهر در مسافرت بوده لکن ظاهر روایات این است که همین آقا با اینکه روزه‌اش باطل است مستحب است امساک تأدبی و ادب ماه مبارک رمضان را نگه دارد و این را روایات متعدد است که ان شاء الله در آینده خواهیم خواند.

مسئله ۴۴: جایز است در سفر معصیت روزه ندبی بگیرد. همان‌طور که روزه وجوبی را گفتیم، روزه ندبی هم جایز است بگیرد چون سفر معصیت است و احترامی برای سفر او نیست و همچنین نماز جمعه از او ساقط نمی‌شود، آن برای کسی است که مسافرت قصری داشته باشد اما این فرد چون مسافرتش با معصیت است باید نماز جمعه را اگر اقامه شد بخواند و همچنین نوافل ظهر و عصر که برای مسافر ساقط بود از این شخص ساقط نیست.

همه این‌ها همان احکام حاضر را دارد دلیلش هم این است که قبلاً گفتیم که «لا کرامه فی سفر المعصی» این را روایت می‌گفت که شخص مسافر به خاطر کرامت و جایگاهی که پیش خدا دارد و خداوند رضایت از سفر او دارد و سفر او سفر حق است از این جهت نماز شکسته بود و الا اگر سفر باطل بود و کرامتی نداشت دیگر این به منزله حاضر هست و از این جهت این آقا حکم حاضر را دارد، پس روزه ندبی و نماز جمعه و نوافل نهار را باید انجام بدهد و مراجع همه از فرمایش سید تبعیت کردند.

شرط ششم از شرایط قصر این است که شخص مسافر از کسانی نباشد که خانه‌اش با او باشد، مثل صحرانشین‌ها چه از عرب و چه از عجم که خانه‌شان با آن‌ها است، یک چادری دارند و هر جا می‌روند چادر می‌زنند و همان‌جا سکونت می‌کنند و مسکن معینی ندارند. ما در فارسی عشایر معنا می‌کنیم، بعضی از عشایر این‌طوری هستند و در صحرا همین‌طور حرکت دارند از ییلاق به قشلاق می‌روند، در مکان‌هایی که پر گیاه باشد یا مواضع اجتماع آب، آنجایی که باران می‌آید و آب جمع شده است، در این‌جا می‌روند ساکن می‌شوند.

کسی که بدون مسکن است و اصلاً صدق مسافر بر او نمی‌کند چون جای خاصی ندارد، لذا نمازش همیشه کامل است و همین شخص اگر مسافرت به قصد دیگری کرد مثلاً می‌خواست مکه برود یا زیارت برود در آن سفر نمازش شکسته است.

یک مورد مشکوک آنجایی است که همین آقا که مسکن معین ندارد اگر برای اختیار منزل مسافرت می‌کند و دارد این طرف و آن طرف می‌رود که یک منزلی را تهیه بکند یا دنبال محل آب و گیاه است و می‌خواهد یک جایی پیدا بکند که آن‌جا مسکنش باشد، اگر به اندازه‌ی مسافت حرکت بکند می‌فرماید اشکال هست در این‌که بگوییم حتماً شکسته یا تمام بخواند و احتیاط را ترک نکند و جمع بخواند.

این مسئله ششم با شرط هفتمی که در آینده خواهیم خواند، این دو شرط را سید به دنبال هم ذکر می‌کنند. لذا دقت داشته باشیم شرط ششم آن است که مسکن او با او نباشد، شرط هفتم این است که سفر او شغل او نباشد.

آیا این‌ها دو شرط است یا یک شرط؟ حرف زیاد هست و من چندین نکته را الان عرض می‌کنم. نکات کوتاه است و در همین نکات جمع‌بندی خوبی را می‌توانیم داشته باشیم که آیا چنین کسی نمازش شکسته یا تمام است؟

نکته اول: اصل حکم اجماعی است که کسی که خانه ندارد اما چادر مسافرتی دارد، این چادر مسافرتی که امروزه هست دارای همه شرایط منزل هست، گاهی هم سیاره داریم، کسانی هستند که منزل ندارند و یک ماشین باری دارد که تمام اثاث منزل در آن است و همیشه هم در همان جا می‌خوابد و استراحت می‌کند. خلاصه اجماع داریم.

نکته دوم: اصطلاح «بیوتهم معهم» مأخوذ از روایت است. منتها در روایات نکات دیگر هم وجود دارد، مثلاً در روایاتی که خدمتتان می‌خوانم در بعضی‌ها دارد که «الذی یختلف و لیس له مقام یتّم الصلاة و یصوم شهر رمضان» آن کسی که یک جا جایگاه ندارد که بخواهد آن‌جا بماند و آن‌جا را به‌عنوان وطن خود داشته باشد، وقتی جایگاه ایستاده ندارد دیگر مسافر نیست و هر جا که می‌رود همان‌جا منزلش است.

نکته سوم: اصطلاح دیگری در روایت‌ها هست که می‌گوید نماز را باید تمام بخواند «لأَنَّهُ عَمَلُهُمْ أَوْ مَنَازِلُهُمْ» گاهی می‌گویند عملشان عمل سفر هست، گاهی می‌گویند منازلشان با آن‌هاست. گاهی می‌گویند «فَأَنَّهُ فِي بَيْتٍ وَ يَتَرَدَّدُ حَيْثُ يَشَاءُ» می‌گویند این خودش در خانه است. منظورش از این که در خانه است یعنی بحث کشتی را مطرح می‌کند اما امروزه شامل سیاره هم می‌شود، قدیم سیاره نبود اما امروز سیاره بیشتر است و کسانی که خانه ندارند گاهی منزلشان داخل خودرو هست، به خصوص خودرویی که بار داشته باشد و اثاث منزل را در آن گذاشته‌اند.

نکته چهارم: بعضی از علما گفتند کسانی که سفرشان اکثر از حضرشان است، پس وطن دارد اما بیشتر مواقع در سفر است یا گفتند که کثیرالسفر است یا گفتند سفر عمل اوست که این تعبیرهای مختلف است. در هر صورت ما تعبیرهایی در روایات و هم در لسان فقها داریم. مصنف در این جا فرق گذاشت بین کسی که مسکن معین برایش نیست و بین شرط بعدی که شرط هفتم است. می فرمایند کسانی که «اتخذ السفر عملاً و شغلاً» حالا ما روایات را اشاره می کنیم و ظاهراً حق با سید است که این ها دوتا است و شرط ششم و هفتم یکی نیست. بعضی از بزرگان این ها را یکی گرفتند و بعضی دوتا گرفتند.

وقتی ما به روایات مراجعه می کنیم می بینیم که در باب ۱۱ از ابواب صوم ۱۲ روایت در جلد پنجم از صفحه ۵۱۵ هست که من روایت ها را می خواهم یک جمع بندی بکنم چون بحث مهمی است و بیشتر از تعلیل های آن ها می خواهیم استفاده بکنیم. سه تعلیل در این روایت ها مشاهده می کنیم.

تعلیل اول صحیح هاشم بن حکم از امام صادق (ع) است که می فرمایند «المکاری و الجمال» این که حیوان و چهارپایان خودش را کرایه می دهد و به خصوص جمال که شتران هست و این یک نوع مکاری است؛ و رسم بر این بوده وقتی ۲۰-۳۰ شتر کرایه می داد خودش همراه این ها تا مقصد می رفت و پولش را از این ها می گرفت، گاهی هم دو طرفه بود، می رفتند و برمی گشتند وقتی برمی گشتند کرایه اش را می گرفت اما خود جمال همراه شترهایش می رفت نه این که شترها را به آن ها بدهد و خودش نرود.



حالا تعلیل امام که می خواهند بگویند نمازش را کامل بخواند این است که می گویند «الذی یختلف و لیس له مقام» این را می گویند «یتم الصلاة و یصوم شهر رمضان»، در واقع دو عبارت اما یک چیز است. اول می گویند که دائم رفت و شد می کند و در حال رفت و شد است و دوم می گویند جای ثابتی ندارد که بایستد. نظیر روایت اول، روایت ۱۰ هست که دیگر نمی خوانیم.

خلاصه از این جا می فهمیم «من لیس له مقام» غیر از کسی است که «انّ السفر عملهم و کسبهم و تجارتهم»؛ این جا حضرت می گویند اصلاً جای ثابتی ندارد.

تعلیل دوم: اما روایت دو باز همین مکاری را مثال می زند، کسانی که سفر عمل آن ها است و نشان می دهد که مقام در وطن دارد، خانه و جا دارد ولیکن شغل و سفرش در این است که کرایه می دهد و همراه شترهایش می رود.

با توجه به این که حضرت دو تعلیل آوردند معلوم می شود که صدق احد عنوانین برای تمامیت نماز کافی است و نیاز به اجتماع عنوانین نداریم که بگوییم هر دو عنوان جمع بشود و یکی از دو عنوان که بیاید کافی است یا عنوان این که اصلاً «لامقام له و یختلف» و رفت و شد می کند و یا این که سفر «عمل» اوست.

حدیث دو را توجه بکنید باز روی مکاری مثال می‌زنند ولیکن نمی‌گویند که «لا مقام له» می‌گویند «عملهم». صحیح زرار: قال ابوجعفر (ع): «أربعة قديجب عليهم التمام في سفر كانوا أو حضر: المکاری و الکری و الراعی و الاشتقان»، از این چهار نفر می‌فرماید یکی «مکاری» است که کرایه می‌دهد، قدیم می‌گفتند خرکچی یا صاحبان چهارپایان کرایه‌ای، دوم «الکری» این هم یعنی کرایه دهنده که گاه جنسش را که همان چهار پایانش است کرایه می‌داده و نمی‌فروخته است و بعد کرایه‌اش را می‌گرفته، «راعی» همان چراننده که چوپان می‌گویند، البته راعی به امیر و والی هم گفته می‌شود چون او هم راعی امت است اما این‌جا ظاهراً همان چوپان منظور است، «اشتقان» هم به معنی برید و پستیچی هست که در لغت ندیدم که آن را پستیچی و برید معنا کنند، بلکه به معنای کسی است که مالش کم شده است، ولیکن حدیث دوازدهم که آخرین روایت هست آن‌جا دیگر تصریح می‌کند که اشتقان به معنای برید است و ما از روایت دوازده این را معنی می‌کنیم.

حالا روایت دوم چهار گروه را بیان کرد، آخرش را دقت کنید تعلیل می‌آورد که علت این که این‌ها باید نماز را کامل بخوانند چون عملشان همین است؛ یعنی یک عملی دارند که در سفر محقق می‌شود.

حدیث چهار صحیح مسلم است عن احدهما عليهم السلام؛ می‌گوید بر «ملاحین» که همان کشتی‌بان است وقتی در سفینه هستند نمازشان تقصیر نیست و باید کامل بخوانند. نظیر این حدیث چهار حدیث هفتم و هشتم است که دیگر ما نمی‌خوانیم.

تعلیل سوم: اما در حدیث پنجم اسحاق بن عمار می‌گوید از امام سوال کردم «عن الملاحین و الأعراب هل عليهم تقصير؟ قال لا» چرا؟ این‌جا دوباره تعلیل آمد «بیوتهم معهم». نظیر این حدیث پنج، حدیث شش است که فرمودند «الأعراب لا يقصرون و ذلك ان منازلهم معهم» پس هر کسی که خانه‌اش با اوست و جای دیگر خانه ندارد مثلاً یک چادر مسافرتی دارد مثل عشایر، او هم نمازش دائماً کامل است.

نکته پنجم: حدیث نهم یک مقدار مفصل‌تر است. امام باقر (ع) می‌فرمایند «سبعة لا يقصرون الصلاة، الجابی... و الأمیر... و التاجر... و الراعی، و البدوی... و الرجل الذي يطلب الصيد يريد به لهو الدنيا، و المحارب الذي يقطع السبيل». اول «جابی» مالیات جمع‌کننده که همین‌طور دور می‌زند و در واقع شغلش این است و در سفر است. دوم امیری که دور می‌زند، نه امیری که در پایتخت نشسته است. سوم تاجری که همین‌طور از این بازار به آن بازار می‌رود و در واقع شغلش در سفر است. چهارم الراعی. پنجم صحرانشینی که به دنبال جایی می‌گردد که که خوش‌آب و هوا باشد و بتواند چند روز آن‌جا زندگی کند. ششم صیادی که قبلاً بحثش را داشتیم. و هفتم محاربی که سفرش اصلاً حرام است.

حدیث یازدهم فرمودند «كل من سافر فعليه التقصير و الافطار غير الملاح فانه في بيت و هو يتردد حيث يشاء». فرمودند «غير الملاح» چرا؟ تعلیلش این است که خود کشتی او خانه است و او در خانه است. حالا آن روزها کشتی بوده و این روزها سیاره هم اضافه می‌شود.

حدیث دوازدهم مرفوعه ابن ابی عمیر هست که از اصحاب اجماع هست لذا رفعش ضرری نمی‌زند و امام صادق (ع) فرمودند «خمسة يتمون في سفر كانوا أو حضر: المکاری و الکری و الاشتقان و هو البرید و الراعی و الملاح لأنه عملهم». مجدداً بحث را جمع بندی بکنم و دیگر فرصت‌مان تمام شد.

تعلیل می‌فرماید که اولاً کسانی که در زمان ما سفرشان برای پخش مواد غذایی است مثلاً راننده است یا مثلاً شاگرد راننده است که کسب در سفر دارد همه این‌ها نمازشان کامل است، این‌ها را در شرط هفتم اشاره خواهیم کرد. یا کسی که شغلش سفر باشد مثلاً همین امیری که مثال زدند با آنکه مسکن هم در مرکز دولت دارد اما مرتب از این استان به استان دیگر می‌رود و نمازش کامل است.

سه تعلیل در این روایت‌ها داشتیم که ما از تعلیل باید تعمیم بدهیم و بعد می‌گوییم تخصیص هم باید بدهیم. تعلیل اول «الذی یختلف و لیس له مقام». تعلیل دوم یعنی شغلش در سفر محقق می‌شود نه در حضر مثل راعی و مکاری و برید و غیره. سوم که گفتیم عشایر و ملاحین و اعراب بعضی‌هایشان این‌طوری هستند.

نکته ششم: روایات همه در باب یازدهم جمع شده الا این که تعلیل از نظر مفهوم با یکدیگر مختلف است. لذا کاری که سید کردند حسن است که ایشان تفکیک کردند و یک بار کسی که «لیس له بیت» را گفتند نمازش کامل است و یک بار هم گفتند «من کان سفره شغل و عمل له» ولو بیت دارد اما مرتب در سفر می‌رود و از سفرش تجارت می‌کند.

تعلیل اول – الذی یختلف و لیس له مقام- این را بعضی گفته‌اند که همان کثرت سفر عرفاً است یعنی ولو برای زیارت باشد همین اندازه که خیلی می‌رود و می‌آید این را گفتند که نمازش کامل است. و لیکن این روایت‌ها مربوط به زیارت نیست، مثال‌های حضرت را که نگاه بکنید درباره کسی است که شغلش موجب کثرت سفر شده مثلاً کرایه دهنده است، چوپان، پستچی، جمّال است، نه اینکه کثرت سفر از باب زیارت و صله رحم یا حتی مثلاً سفر حج و... حتی «تفرج» که قبلاً گفتیم اگر کسی خیلی برای تفرج و تفریح می‌رود آن هم همین‌طور روایت شامل این‌ها نمی‌شود. با توجه به این که مثال زده پس ما می‌گوییم تعلیل اول به تعلیل دوم رجوع می‌کند، تعلیل می‌گوید صرف کثرت سفر نیست بلکه تعلیل دوم می‌گوید «کأنه عملهم».

بنابراین حرف آخرمان این است که می‌گوییم تعلیل همانگونه که تعمیم می‌دهد تخصیص هم می‌زند. پس اگر کسی مسافرت کرده و بی‌تث با او است اما برای زیارت و حج رفته در این سفر باید نمازش را شکسته بخواند، بعضی هم ادعای اجماع کردند.

نکته هفتم: سید گفتند اگر همین کسی که بیت ندارد مسافرت کرد اما برای اختیار منزل دارد مسافرت می‌کند یا دنبال محل خوش آب و هوایی است که آنجا سکونت بکند، فرمودند ترک احتیاط نکند به این که جمع بکند.

به ایشان عرض می‌کنیم ظاهر تعلیل این است که آنجایی که بیوتشان با آن‌ها است نمازش تمام است و این شامل این شخص می‌شود ولو این که دنبال منزل می‌گردد اما حالا هم که دارد می‌گردد یک روز، دو روز یا چند روز هم در راه باشد آخرش منزلش همراه اوست پس نمازش تمام است.

انتهای پیام/

برچسب‌ها: جواد جلوانی، درس خارج فقه، سید ابوالحسن مهدوی، مدرسه علمیه صدر بازار، نماز مسافر

برگرفته از ندای اصفهان: <https://nedayeesfahan.ir>